



صداوسیما جمهوری اسلامی ایران
معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

معرفی کتاب الغدير علامه امینی

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:
– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

بسمه تعالی

واقعه غدیر از مهم‌ترین وقایع تاریخ اسلام است که در آن، پیامبر اسلام (ص) هنگام بازگشت از حجة الوداع در ۱۸ ذی‌الحجه سال دهم هجری قمری در مکانی به نام غدیر خم، امام‌علی(ع) را به عنوان جانشین خود معرفی کرد و حاضران که بزرگان صحابه نیز در میان‌شان بودند را به بیعت با امام علی(ع) فراخواند. این معرفی بنا به دستور الهی در آیه تبلیغ^۱ بود. این آیه، کمی قبل از ۱۸ ذی‌الحجه سال دهم نازل شد که به پیامبر (ص) دستور می‌داد آنچه خداوند بر او نازل کرده، ابلاغ کند و اگر پیامبر این کار را نکند، رسالتش را انجام نداده است. سپس آیه اکمال^۲ نازل شد که می‌گفت: امروز دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و دین اسلام را برای شما پسندیدم. معصومان(ع) به حدیث غدیر استناد کرده‌اند و شاعران بسیاری - از دوران امام‌علی(ع) تا به امروز - درباره آن شعر سروده‌اند. آن چه ذکر شد، اعتقاد شیعیان است که در طول تاریخ کوشیده‌اند بر این اعتقاد پای فشارند و در راستای اثبات آن به نگارش کتاب‌های بسیاری پرداخته‌اند. از مهم‌ترین آثار درباره این واقعه و حدیث غدیر، کتاب الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب از علامه امینی است. سخن از علامه امینی (ره) و اثر پر مغز و جاودانه‌اش یعنی کتاب «الغدیر» و نمایاندن عظمت‌های این اثر و پدید آورنده آن، آن‌چنان که نه حقی از این اثر بی‌نظیر ضایع گردد و نه از آن مؤلف بی‌بدیل، کار دشواری است. امینی، متفکر و پژوهشگری عمیق، همه سو نگر و جامع‌الاطراف است که همه ویژگی‌های یک نویسنده برجسته و ممتاز را در خود فراهم آورده است. هر چند هم‌اینک در میان ارباب فرهنگ و ادب، در کشور ما و سایر بلاد اسلامی، دو واژه «امینی و الغدیر» با هم متلازم شده‌اند، اما قدر و منزلت این اثر بزرگ و آن دانشمند کم‌نظیر، هنوز بر بسیاری از طبقات جامعه ما، حتی طبقات تحصیل کرده و مراکز دینی پوشیده است. اطلاعات بیشتر کسانی هم که با «الغدیر» آشنا نیستند، غالباً از حد کلیات فراتر نمی‌رود، و همین قدر می‌دانند که «الغدیر» اثر بزرگی است که توسط یکی از عالمان طراز اول اسلام و تشیع پدید آمده است. اما این که این کتاب، پیام‌آور چه رسالتی است؟ و حول محور چه موضوعاتی بحث می‌کند؟ و چه معارفی، با چه سبک و ویژگی‌هایی در این کتاب طرح گشته است؟ بر بسیاری از مردم، بلکه بر بسیاری از طبقات تحصیل کرده و خواص نیز پوشیده مانده است، بنابراین هم «امینی» و هم «الغدیر» هنوز جایگاه واقعی خود را در جامعه ما پیدا نکرده و همچنان مهجور مانده‌اند. نوشته پیش رو سعی دارد قدمی هر چند کوتاه در راه معرفی کتاب گرانسنگ الغدیر اثر علامه محمدحسین امینی بردارد.

الف) نگاهی گذرا به کتاب الغدیر

نام کامل کتاب، «الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب»، به معنای «غدیر در کتاب [قرآن]، سنت، و ادبیات» است. به باور علامه امینی، این عنوان برای این کتاب بدین معناست که اگر کسی منکر حدیث غدیر و امور وابسته به آن شود، در واقع منکر قرآن، سنت، ادبیات، تاریخ و مجمع علمی شعر عرب شده است؛ چرا که نویسنده مدعای خود را با اسناد متقن و شواهد قطعی از هر سه منبع مذکور، به اثبات رسانده است. کتاب در 11 جلد به زبان عربی نگاشته شده است.^۳ او در جلد اول نام ۱۱۰ تن از صحابه پیامبر و ۸۴ تن از تابعان روایت‌کننده واقعه غدیر را گردآورده است. علامه امینی در شش جلد

1. آیه ۶۷ سوره مائده و از آخرین آیات نازل شده بر پیامبر(ص). بر اساس این آیه، پیامبر موظف شده است پیام بسیار مهمی را به مردم ابلاغ کند. به تصریح آیه، اهمیت پیام چنان است که اگر پیامبر(ع) آن را ابلاغ نکند، رسالت پیامبری خود را به انجام نرسانده است.
2. آیه 3 سوره مائده؛ خداوند در آن بیان می‌فرماید که پس از نزول این آیه دین را کامل و نعمت را تمام کرده است.
3. کتاب الغدیر در 22 جلد به زبان فارسی ترجمه شده است.

بعدی، شاعران غدیر را معرفی و اشعار آنها را نقل کرده است. او در جلد‌های پایانی، ضمن ادامه معرفی شاعران غدیر، به برخی از اختلافات شیعه و اهل سنت مثل جایگاه خلفای سه‌گانه و نقدهای شیعیان بر آنها، فدک، ایمان ابوطالب، تحلیل رفتارهای معاویه بن ابوسفیان و ... می‌پردازد.

علامه امینی برای نوشتن این کتاب به کتابخانه‌های کشورهای مختلف از جمله هند، مصر و سوریه سفر کرده است. چنانکه علامه امینی گفته، او بیش از صد هزار کتاب را دیده و بیش از ده هزار کتاب را از ابتدا تا انتها مطالعه کرده است. نوشتن کتاب الغدیر بیش از ۴۰ سال طول کشید.

(ب) رویکرد و روش کتاب الغدیر

1- محوریت وحدت اسلامی:

علامه امینی، از جمله متفکران و مصلحانی است که ایده و اندیشه وحدت امت اسلامی را سرلوحه کار خویش قرار داده، و این ایده و بازتاب این اندیشه را در سرتاسر کتاب «الغدیر» می‌توان مشاهده نمود. او هر گاه سخن یا نوشته‌ای مشاهده می‌کند که در جهت خلاف «وحدت امت اسلامی» گفته و یا نوشته شده باشد، بر می‌آشوبد و به نقد آن می‌پردازد. از دیدگاه او تمسک به قرآن و عترت تنها رشته‌ای است که می‌تواند امت اسلام را به یکدیگر پیوند دهد. بنا بر حدیث ثقلین، قرآن و عترت دو عضو هدایت‌گر و سعادت‌آفرین و به منزله دو بال پرواز برای هر مسلمان جویای سعادت و کمال، هرگز از هم جدایی ندارند. بنابراین اگر کسی بخواهد با تمسک به یکی از این دو در مسیر کمال حرکت کند، به سر منزل مقصود نخواهد رسید. در گذشته تاریخ نیز کسانی که اهل بیت (علیهم‌السلام) را رها کردند و خواستند راه سعادت را تنها در پرتو قرآن ببیمایند، راه به جایی نبرده و در انبوهی از انحرافات و مشکلات گرفتار آمدند. عنصر دیگری که از دیدگاه علامه امینی در مسئله وحدت امت اسلامی نقش مهمی بر عهده دارد، عنصر «شناخت و آگاهی» است. وحدت پایدار پیروان مذاهب اسلامی در صورتی میسر است که برخاسته از شناخت و آگاهی و درک متقابل پیروان مذاهب، از اعتقادات و باورهای مذهبی یکدیگر باشد، و «الغدیر» نیز دقیقاً در راستای تحقق این عنصر وحدت‌آفرین، پدید آمده است. از دیدگاه صاحب «الغدیر» عامل دیگری که در ایجاد وحدت اسلامی از نقش مهمی برخوردار است، حسن ظن و مراعات انصاف و حق‌جویی از یک سو، و پرهیز از سوءظن و بدگمانی و بی‌انصافی از سوی دیگر است. متفکر و اندیشمند ما علامه امینی، اظهارنظرهای غیر محققانه، سطحی و جاهلانه و گاه مغرضانه برخی از دانشمندان و نویسندگان اهل سنت نسبت به تشیع را عامل مهمی در جهت تفرقه امت اسلامی به شمار آورده و آن را مخل وحدت اسلام می‌داند و راه از میان برداشتن این مانع را آگاهی و شناخت درست آنان از منابع تشیع می‌داند. یکی از اصلی‌ترین هدف‌های «الغدیر»، چاره‌اندیشی در جهت رفع سوءظن‌ها و ارائه راهی برای ایجاد تفاهم و اتحاد در میان امت اسلامی است.

2- امانت در نقل:

از امتیازات «الغدیر» آن است که نویسنده دانشمند آن، در سراسر این کتاب بزرگ، جمله جمله و سطر سطر مطالب کتاب خود را به صدها و هزاران جلد از منابع فریقین و به‌خصوص، آثار معتبر دانشمندان اهل سنت مستند نموده است. او با رعایت امانت و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی، مطالب را از منابع معتبر اهل سنت نقل می‌کند؛ دقت و امانت او در نقل، به‌گونه‌ای است که او را «امین نقل» لقب داده‌اند.

3- آموزش شیوه درست نقد:

در کتاب پر ارج «الغدیر» «نقد»، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اساساً می‌توان گفت شالوده «الغدیر» بر پایه «نقد و نقادی» پی‌ریزی شده است، خواننده، هیچ فصل و مبحثی را در این کتاب بزرگ پیدا نمی‌کند، مگر اینکه یک یا چند نقد اساسی و آموزنده در آن وجود دارد. مرحوم امینی این کتاب را با هدف اثبات یکی از اساسی‌ترین مسائل اعتقادی و سیاسی تشیع، یعنی مسئله «امامت و ولایت»، بر اساس منابع مورد قبول خود اهل سنت تالیف نموده است، این رسالت بزرگ را با چنان دقت و قدرت و استحکام و هوشیاری، به‌انجام رسانده است که تعجب هر خواننده‌ای را برمی‌انگیزد. در حول محور «نقد و نقادی»، می‌توان از ابعاد مختلفی در باره «الغدیر» سخن گفت و «نقد» را از دیدگاه «الغدیر» و مؤلف دانشمند آن به اقسام مختلفی تقسیم نمود؛ مانند: نقد کتاب‌های منفی و تفرقه‌افکن، نقد شخصیت‌های منفی، نقد نظریه‌های نادرست، و...؛ اینها و مواردی از این قبیل برخی از اقسام نقد است که در «الغدیر» به زیباترین شکلی مطرح است. نکته مهم آن است که این نقدها، نه از سر خصومت و دشمنی، بلکه از سر صدق و صفا و با هدف متحد ساختن صفوف امت اسلامی صورت گرفته است. مرحوم امینی، شخصیت و افکار شمار زیادی از افراد را با شیوه‌ای کاملاً تحقیقی و عالمانه، و با تکیه بر ادله محکم و غیر قابل انکار، به نقد کشیده است. در این زمینه «الغدیر» به‌منزله آموزشگاهی است و «امینی» به‌منزله آموزگاری که بهترین شیوه «نقد» در اعتقادات مذاهب را به دانشوران می‌آموزد. رسم علامه امینی (ره) بر آن است که در نقد نظریات مقابل، در مسائل مهمی که مورد اختلاف فریقین است، مانند مسئله جانشینی پیامبر (ص) و مباحث مربوط به آن، هرگز بر منابع تشیع تکیه نکند، بلکه نقد خود را صرفاً بر منابع مورد قبول اهل سنت استوار سازد تا این که سخن حق او ضایع نشده و مورد قبول مخاطب قرار گیرد.

4- «الغدیر» دایره المعارفی بزرگ:

ویژگی دیگر «الغدیر» جامعیت آن است. «الغدیر» تنها یک کتاب معمولی نیست، بلکه یک دایره‌المعارف بزرگ و عمیق دینی است. گر چه نخستین و مهمترین هدفی که «الغدیر» برای آن پدید آمده است، بررسی همه جانبه حدیث «غدیر» و اثبات خلافت و ولایت امیرالمؤمنین (ع) است، ولی «الغدیر» به این موضوع منحصر نشده و به‌صورت دفاع جامعی از اسلام راستین و مکتب اهل بیت (ع) درآمده است، و به واقع می‌توان آن را دایره‌المعارف بزرگی دانست که افکار و اندیشه‌های ناب اسلامی و دین‌شناسی را در موضوعات گوناگون، اعم از تفسیر، تاریخ، کلام، فقه، سیره، رجال، حدیث، اخلاق، ادب و ... به‌صورت کاملاً عالمانه و تحقیق و با چهره‌ای آراسته و زیبا، به جامعه اسلامی و همه پویندگان راه حقیقت، عرضه نموده است. به گونه‌ای که خواننده را در حیرت و شگفتی فرو می‌برد. بسیاری از علما و دانشمندانی که بر «الغدیر» تقریظ نوشته‌اند و یا در باره عظمت و جذابیت‌های آن اشعاری سروده‌اند، به این حقیقت مهم اعتراف نموده‌اند.

5- کثرت منابع:

از ویژگی‌های دیگر الغدیر این است که در آن، به منابع و مآخذ زیادی استناد شده است و این پشتکار و تلاش خستگی‌ناپذیر نویسنده آن را نشان می‌دهد. علامه 10 هزار کتاب را به طور کامل خواند و به صد هزار کتاب مراجعه پی در پی داشت. علامه محمدتقی جعفری می‌گوید: مراجعه به آن همه مدارک و تنظیم آنها برای تهیه چنین اثری، کار فوق‌العاده‌ای است و در عالم تحقیق و تتبع کم نظیر است.

6- پیوند با قرآن:

از ویژگی‌های دیگر الغدیر، آمیختگی و پیوند تنگاتنگ آن با قرآن کریم است. در سراسر کتاب، به آیات قرآنی استناد شده است و در برخی موارد به زیبایی تمام، بحث خویش را با آیه ای آغاز می‌کند که گویی تمام محتوای آن بخش در همان آیه نهفته است. استاد عبدالفتاح عبدالمقصود مصری می‌نویسد: علامه امینی، ابتدا از قرآن سپس از حدیث، هدایت می‌طلبد.

7- استفاده از منابع اهل تسنن:

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم الغدیر، استناد به کتاب‌ها، منابع و متن‌های اصلی و معتبر اهل سنت هم چون صحاح سته است؛ کتاب‌هایی که در شمار منابع اصلی اهل سنت قرار دارد و حدیث‌های موجود در آن‌ها را بدون هیچ اشکالی می‌پذیرند. استفاده از بحث‌ها و احادیث این کتاب‌ها و استناد به آنها راه را برای بهانه‌جویان بسته و نقد مطالب آن را بسیار مشکل ساخته است. نقل است که برخی بزرگان و شخصیت‌های اهل سنت نزد نورالدین نعسانی - از عالمان معروف اهل سنت - رفتند و محاکمه علامه امینی را به خاطر نوشتن کتاب الغدیر خواستار شدند و علت آن را تفرقه‌افکنی میان مسلمانان و به وجود آوردن شبهه درباره خلفای راشدین عنوان کردند. نورالدین نعسانی فرصتی خواست تا الغدیر را بخواند و موارد جرم (!) را بیابد. پس از مدتی که شکایت کنندگان نزد او برگشتند، گفت: «من می‌توانم حکم اعدام و مصادره دارایی علامه را بدهم، ولی تنها یک شرط دارد و آن این که شما تمام منابع، مسندها، کتاب‌ها و صحاح خود را بسوزانید؛ زیرا حدیث‌ها و روایت‌هایی که در الغدیر آمده، در صحاح و کتاب‌های معتبر شما موجود است».

ج) نگاهی به محتوای کتاب الغدیر

این کتاب در واقع، دایرة المعارفی است که تنها در مورد حادثه تاریخی غدیر خم نبوده بلکه نویسنده، مطالب بسیار گوناگون هم چون بحث‌های ادبی، تاریخی، فقهی، حدیثی، رجال، درایه و تفسیر را در این اثر گرد آورده است. مباحث این دایره المعارف بزرگ را و در یک نگاه کلی می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

الف - اثبات ولایت مطلقه امامان معصوم (ع) با ثابت کردن جانشینی بلافصل امام علی (ع) و اثبات این مطلب که آن حضرت به دستور خداوند و از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به این مقام تعیین شده است. در این بخش علامه به شیوه جالبی، با استناد به حدیث‌های معتبر اهل سنت، جانشینی و ولایت بلافصل امام علی بن ابی طالب (ع) را اثبات می‌کند. ب - نفی ولایت داشتن غیر معصوم بر امت اسلامی و اثبات این نکته که غیر معصوم نمی‌تواند جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد. برای شناخت بهتر محتوای کتاب الغدیر، مروری بر بحث‌های هر جلد خواهیم داشت:

جلد اول:

نویسنده در این جلد، پس از نقل حدیث غدیر، ۱۱۰ تن از بزرگان صحابه پیامبر (ص) را نام می‌برد که آن را نقل کرده‌اند و نام همه آنها را با تکیه بر منابع اهل سنت یاد می‌کند. پس از صحابه، نام ۸۴ تن از تابعانی که این حدیث را روایت کرده‌اند یاد می‌شود و آرای نویسندگان رجالی اهل سنت درباره آنها بیان می‌شود. پس از تابعان، نام ۳۶۰ تن از علمای راوی این حدیث از قرن دوم هجری تا قرن چهاردهم ذکر شده است. در فصل بعدی کتاب، نام نویسندگانی که آثاری مستقل راجع به حدیث غدیر نگاشته‌اند یاد شده و در فصل پس از آن، احتجاج‌هایی که به حدیث غدیر شده، بیان شده است. آیات قرآن راجع به غدیر، مبحث بعدی جلد نخست کتاب الغدیر است و پس از آن عید غدیر و داستان تبریک گفتن خلیفه اول و دوم و سایر صحابه به امام علی (ع) و جایگاه این عید نزد اهل بیت (ع) بررسی می‌شود و پس از اینها سخنان برخی از دانشمندان اهل سنت درباره غدیر و نیز سند حدیث غدیر، نقل و بررسی می‌شود. مطالب بعدی کتاب، درباره مفاد و معنای این حدیث

است که نویسنده شبهات برخی از دانشمندان اهل سنت را نقل و بررسی می‌کند و با توجه به قرینه‌های گوناگون، دلالت این حدیث را روشن می‌کند.

جلد دوم:

این جلد به شعرهای مربوط به غدیر می‌پردازد. نویسنده نخست جایگاه شعر و شاعری در قرآن و سنت را بررسی می‌کند. سپس به بررسی شاعران غدیر در قرن اول هجری می‌پردازد که بدین منظور از اشعار امیرالمؤمنین (ع)، حسان بن ثابت، قیس بن سعد بن عباد، عمرو بن عاص، و محمد بن عبدالمطلب... حمیری با اسناد متقن تاریخی یاد می‌کند که در تأیید مفاد و معنای غدیر برای اثبات جانشینی امام علی (ع) قابل استفاده‌اند. پس از این افراد، شاعرانی از قرن دوم هجری یاد می‌شوند که درباره غدیر شعر سروده‌اند؛ از جمله کمیت، سید حمیری، عبدی کوفی و پس از اینها شاعران قرن سوم، از جمله ابوتمام طائی، و دعبل خزاعی.

جلد سوم:

جلد سوم الغدیر با ادامه شاعران غدیره‌سرای قرن سوم هجری قمری آغاز می‌شود. سپس به مناسبت، به بررسی و نقد برخی از آثار مستشرقین درباره اسلام می‌پردازد. و سپس با ذکر این رومی و افوه حمدانی به ادامه شاعران قرن سوم می‌پردازد. در ادامه بحثی راجع به زید شهید و دیدگاه شیعه درباره وی، با توجه به شبهات برخی علمای اهل سنت مطرح شده است. نویسنده در ادامه به تفصیل وارد بررسی تهمت‌هایی می‌شود که برخی از علمای اهل سنت به شیعه وارد کرده‌اند و آنها را به نحو مستند نقد می‌کند و در این راستا فضائلی از اهل بیت (ع)، قرآن، تحریف و متعه را مورد بحث قرار می‌دهد. ادامه مباحث این جلد، شاعران غدیره‌سرای قرن چهارم قمری است؛ از جمله ابن طباطبایی اصفهانی، ابن علویه اصفهانی، مفتح، ابوالقاسم صنوبری، قاضی تنوخی، ابوالقاسم زاهی و ابوفراس حمدانی.

جلد چهارم:

شرح حال شاعران غدیر در قرن چهارم، پنجم و ششم ه.ق را دربرمی‌گیرد که ابوالفتح کشاجم، صاحب بن عباد، ابوالعباس ضبّی، ابو محمد عونی، شریف رضی، قاضی ابن قادوس و ملک صالح از آن جمله‌اند.

جلد پنجم:

زندگی نامه برخی دیگر از شاعران غدیر در قرن ششم و هفتم ه.ق در این جلد آمده است؛ شاعرانی چون: سید محمد اقساسی، ابوالحسن منصور بالله، مجد الدین بن جمیل، بهاء الدین اربلی. مطالب دیگری که در این جلد مطرح شده‌اند، عبارتند از: حدیث رد الشمس، نماز هزار رکعت، محدث در اسلام، علم امامان شیعه به غیب، انتقال جنازه به مشاهد مشرفه، زیارت و جعل حدیث. نویسنده در همه این مباحث با تکیه بر منابع اهل سنت، تهمت‌هایی را که بر شیعه وارد شده، پاسخ داده است.

جلد ششم:

شرح حال شاعران غدیر در قرن هشتم ه.ق مانند: ابو محمد بن داوود حلّی، جمال الدین خلعی، صفی الدین حلّی و ... در این جلد آمده است. برخی از ویژگی‌های خلیفه دوم، حدیث ولایت و حدیث منزلت از دیگر بحث‌های این جلد است.

جلد هفتم:

این جلد، زندگی نامه شاعران غدیر در قرن هشتم ه.ق مانند: ابن داغر حلّی، ابن عرندس حلّی و حافظ برسی حلّی را دربرمی‌گیرد. در این جلد، بحث‌هایی درباره ویژگی‌های خلیفه اول و ایمان حضرت ابوطالب (ع) آمده است.

جلد هشتم:

مسائل مهم این جلد عبارتند از: ابوطالب در قرآن، بحث‌هایی درباره خلفای سه گانه، ایمان ابوذر و سیرت او.

جلد نهم:

بررسی احادیثی در مورد خلیفه سوم از امیرالمؤمنین علی (ع)، عایشه و عبدالرحمن بن عوف، قصه حصار، سلسله بحث‌هایی در قصه دار، در این جلد مطرح شده است.

جلد دهم:

ادامه بحث خلفای سه گانه، مبالغه در آوردن فضیلت‌هایی برای معاویه بن ابی سفیان، شراب خواری و رباخواری معاویه، نماز جمعه خواندن معاویه در روز چهارشنبه، نامه امام حسین در پاسخ نامه معاویه، جنایت‌های معاویه و بررسی اجتهاد معاویه در این جلد بحث شده است.

جلد یازدهم:

این جلد با بررسی رفتار معاویه با امام حسن مجتبی (ع) آغاز می‌شود و با برخوردهای معاویه با شیعیان و جنایاتی که وی نسبت به حجر بن عدی و یارانش روا داشت ادامه می‌یابد. بحث‌هایی هم چون معاویه و امام حسن مجتبی (ع)، معاویه و شیعه امیرالمؤمنین علی (ع)، معاویه و حجر بن عدی، قصه‌های خرافاتی و زیاده‌گویی در فضیلت صحابه مانند سخن گفتن زید بن خارجه پس از مرگ، سخن گفتن انصاری پس از قتل، ذکر نام عمر بن عبدالعزیز در تورات، زیارت خداوند از احمد حنبل در این جلد آورده شده است. همچنین شرح حال شاعران غدیر در قرن نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم ه.ق مانند: ضیاءالدین هادی، شیخ کفعمی، عزّ الدین عاملی، زین الدین حمیدی، شیخ عبایی، مولی محمد طاهر قمی، شیخ حسن کرکی و علم الهدی در جلد یازدهم آمده است.

(د) الغدیر و وحدت اسلامی

در متنی که در پی می‌آید، شهید مطهری نقش کتاب الغدیر علامه امینی را در ایجاد وحدت اسلامی بازگو می‌کند؛ شهید مطهری در مقاله «الغدیر و وحدت اسلامی» (مندرج در کتاب شش مقاله)، ضمن اشاره به معنای مطلوب از وحدت اسلامی، آشنایی کتاب الغدیر را مسیر مناسبی برای آشنایی محققان اهل سنت با اندیشه شیعی می‌داند که در پی این آشنایی، راه برای وحدت اسلامی باز می‌شود. نظر به این که هم‌اینک نیز علی‌رغم گذشت بیش از چهل سال از انتشار این مقاله، جهان اسلام بیش از هر چیز نیازمند وحدت است عین سخنان شهید مطهری نقل می‌شود. شهید مطهری می‌گوید:

کتاب شریف الغدیر موجی عظیم در جهان اسلام پدید آورده است. اندیشمندان اسلامی از زوایا و جوانب مختلف ادبی، تاریخی، کلامی، حدیثی، تفسیری، اجتماعی بدان نظر افکنده‌اند. آنچه از زاویه اجتماعی می‌توان بدان نظر افکند، «وحدت اسلامی» است. مصلحان و دانشمندان روشنفکر اسلامی عصر ما، اتحاد و همبستگی ملل و فرق اسلامی را، خصوصاً در اوضاع و احوال کنونی که دشمن از همه جوانب بدان‌ها هجوم آورده و پیوسته با وسایل مختلف در پی توسعه خلافات کهن و اختراع خلافات نوین است، از ضروری‌ترین نیازهای اسلامی می‌دانند. اساساً چنانکه می‌دانیم وحدت اسلامی و اخوت اسلامی سخت مورد عنایت و اهتمام شارع مقدس اسلام بوده و از اهمّ مقاصد اسلام است. قرآن و سنت و تاریخ اسلام گواه آن می‌باشد. از این رو برای برخی این پرسش پیش آمده که آیا تألیف و نشر کتابی مانند الغدیر - که به هر حال موضوع بحث آن کهن‌ترین مسئله اختلافی مسلمین است - مانعی در راه هدف مقدس و ایده آل عالی «وحدت اسلامی» ایجاد نمی‌کند؟

ما لازم می‌دانیم مقدمتاً اصل مطلب را (یعنی مفهوم و حدود وحدت اسلامی) را روشن کنیم، سپس نقش کتاب شریف الغدیر و مؤلف جلیل القدرش علامه امینی رضوان ... علیه را توضیح دهیم. وحدت اسلامی مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است: از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود؟ یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود و مفترقات همه آنها کنار گذاشته شود و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمین اتحاد پیروان مذاهب مختلف در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است؟ مخالفین اتحاد مسلمین برای اینکه از وحدت اسلامی مفهومی غیرمنطقی و غیرعملی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها- که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی - نیست. منظور این دانشمندان متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان. این دانشمندان می‌گویند مسلمین مایه وفاق‌های بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد. مسلمین همه خدای یگانه را می‌پرستند و همه به نبوت رسول اکرم ایمان و اذعان دارند، کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است، با هم و مانند هم حج می‌کنند و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می‌گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و داد و ستد می‌نمایند و کودکان خود را تربیت می‌کنند و اموات خود را دفن می‌نمایند و جز در اموری جزئی، در این کارها با هم تفاوتی ندارند. مسلمین همه از یک نوع جهان بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم و باشکوه و سابقه‌دار شرکت دارند. وحدت در جهان بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی خوب، می‌تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند، خصوصاً اینکه در متن اسلام بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان به نصّ صریح قرآن برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آنها را به یکدیگر مربوط می‌کند. با این وضع چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیبشان گشته استفاده نکنند؟ از نظر این گروه از علمای اسلامی، هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند، همچنان که ایجاب نمی‌کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فیما بین بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند. تنها چیزی که وحدت اسلامی، از این نظر، ایجاب می‌کند، این است که مسلمین- برای اینکه احساسات کینه توزی در میانشان پیدا نشود یا شعله‌ور نگردد- متانت را حفظ کنند، یکدیگر را سبّ و شتم ننمایند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبنند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند و بالاخره عواطف یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند و در حقیقت- لاقلاً- حدودی را که اسلام در دعوت غیرمسلمان به اسلام لازم دانسته است، درباره خودشان رعایت کنند: *أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ* (نحل - 125)؛ برای برخی این تصور پیش آمده که مذاهبی که تنها در فروع با یکدیگر اختلاف دارند، مانند شافعی و حنفی، می‌توانند با هم برادر باشند و با یکدیگر در یک صف قرار گیرند، اما مذاهبی که در اصول با یکدیگر اختلاف نظر دارند به هیچ وجه نمی‌توانند با یکدیگر برادر باشند. از نظر این دسته، اصول مذهبی مجموعه‌ای بهم پیوسته است و به اصطلاح اصولیون از نوع «اقل و اکثر ارتباطی» است، آسیب دیدن یکی عین آسیب دیدن همه است. علی هذا آنجا که مثلاً اصل «امامت» آسیب می‌پذیرد و قربانی می‌شود، از نظر معتقدین به این اصل، موضوع وحدت و اخوت منتفی است و به همین دلیل شیعه و سنی به هیچ

وجه نمی‌تواند دست یکدیگر را به عنوان دو برادر مسلمان بفشارند و در یک جبهه قرار گیرند، دشمن هر که باشد. گروه اول به این گروه پاسخ می‌دهند، می‌گویند: دلیلی ندارد ما اصول را در حکم یک مجموعه بهم پیوسته بشماریم و از اصل «یا همه یا هیچ» در اینجا پیروی کنیم. اینجا جای قاعده «الْمَيْسُورُ لَا يَسْقُطُ بِالْمَعْسُورِ» و «مَا لَا يُدْرِكُ كَلَّهُ لَا يُتْرَكَ كَلَّهُ» است. سیره و روش شخص امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای ما بهترین و آموزنده‌ترین درسهاست. علی علیه السلام راه و روشی بسیار منطقی و معقول که شایسته بزرگواری مانند او بود اتخاذ کرد. او برای احقاق حق خود از هیچ کوششی خودداری نکرد، همه امکانات خود را به کار برد که اصل امامت را احیا کند، اما هرگز از شعار «یا همه یا هیچ» پیروی نکرد. برعکس، اصل «ما لا یدرک کله لا یترک کله» را مبنای کار خویش قرار داد. علی در برابر رباپندگان حقیقت قیام نکرد و قیام نکردنش اضطراری نبود، بلکه کاری حساب شده و انتخاب شده بود. او از مرگ بیم نداشت، چرا قیام نکرد؟ حداکثر این بود که کشته شود. کشته شدن در راه خدا منتهای آرزوی او بود. او همواره در آرزوی شهادت بود و با آن از کودک به پستان مادر مأنوس تر بود. علی در حساب صحیحش بدین نکته رسیده بود که مصلحت اسلام در آن شرایط، ترک قیام و بلکه همگامی و همکاری است. خود کراً به این مطلب تصریح می‌کند. در یکی از نامه‌های خود به مالک اشتر (نامه 62 از نامه های نهج البلاغه) می‌نویسد: فَأَمْسَكْتُ يَدِي حَتَّى رَأَيْتُ رَاجِعَةَ النَّاسِ قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الْإِسْلَامِ، يَدْعُونَ إِلَى مَحَقِّ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَخَشِيتُ أَنْ لَمْ أَنْصُرِ الْإِسْلَامَ وَآهْلَهُ أَنْ أَرَى فِيهِ تَلْمِماً أَوْ هَدْماً تَكُونُ الْمُصِيبَةُ بِهِ عَلَيَّ أَعْظَمَ مِنْ قَوْتِ وَلَايَتِكُمْ الَّتِي إِنَّمَا هِيَ مَتَاعُ أَيَّامٍ قَلِيلٍ. من اول دست خود را پس کشیدم، تا دیدم گروهی از مردم از اسلام بازگشتند و مردم را به نابودی دین محمد صلی الله علیه و آله دعوت می‌کنند. پس ترسیدم که اگر به یاری اسلام و مسلمین برنخیزم شکاف یا انهدامی در اسلام خواهم دید که مصیبت آن از فوت خلافت چندروزه بسی بیشتر است. در شورای شش نفری پس از تعیین و انتخاب عثمان به وسیله عبدالرحمن بن عوف، علی علیه السلام شکایت و هم آمادگی خود را برای همکاری اینچنین بیان کرد: لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي، وَ وَاللَّهِ لَأَسْلِمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً (نهج البلاغه، خطبه 72)؛ شما خود می‌دانید من از همه برای خلافت شایسته‌ترم، و حال به خدا قسم مادامی که کار مسلمین روبراه باشد و رقیبان من تنها به کنار زدن من قناعت کنند و تنها شخص من مورد ستم واقع شده باشد، مخالفتی نخواهم کرد و تسلیم خواهم بود. اینها می‌رساند که علی اصل «یا همه یا هیچ» را در این مورد محکوم می‌دانسته است. نیازی نیست درباره روش و سیره علی علیه السلام در این موضوع بیشتر بحث شود، شواهد و دلایل تاریخی در این زمینه فراوان است.

علامه امینی

اکنون نوبت آن است که ببینیم علامه بزرگوار آیت‌الله امینی، مؤلف جلیل‌القدر الغدیر، از کدام دسته است و چگونه می‌اندیشیده است؟ آیا ایشان وحدت و اتحاد مسلمین را تنها در دایره تشیع قابل قبول می‌دانسته‌اند، یا دایره اخوت اسلامی را وسیع‌تر می‌دانسته و معتقد بوده‌اند اسلام که با اقرار و اذعان به شهادتین محقق می‌شود، خواه ناخواه حقوقی را به عنوان حق مسلمان بر مسلمان ایجاد می‌کند و صلح اخوت و برادری که در قرآن به آن تصریح شده، میان همه مسلمین محفوظ است. علامه امینی به این نکته که لازم است نظر خود را در این موضوع روشن کنند و اینکه نقش الغدیر در وحدت اسلامی چیست، آیا مثبت است یا منفی، خود کاملاً توجه داشته‌اند و برای اینکه از طرف معترضان - اعم از آنان که در جبهه مخالف خودنمایی می‌کنند و آنهایی که در جبهه موافق خود را جا زده‌اند - مورد سوء استفاده واقع نشود، نظر خود را مکرر توضیح

داده و روشن کرده‌اند. علامه امینی طرفدار وحدت اسلامی هستند و با نظری وسیع و روشن بینانه بدان می‌نگرند. ایشان در فرصت‌های مختلف در مجلدات الغدیر این مسئله را طرح کرده‌اند و ما قسمتی از آنها را در اینجا نقل می‌کنیم:

در مقدمه جلد اول اشاره کوتاهی می‌کنند به اینکه الغدیر چه نقشی در جهان اسلام خواهد داشت. می‌گویند: «و ما این همه را خدمت به دین و اعلائی کلمه حق و احیای امت اسلامی می‌شماریم». در جلد سوم، صفحه 77، پس از نقل اکاذیب ابن تیمیّه و آلوسی و قسیمی، مبنی بر اینکه شیعه برخی از اهل بیت را از قبیل زید بن علی بن الحسین دشمن می‌دارد، تحت عنوان «نقد و اصلاح» می‌گویند: «این دروغ‌ها و تهمت‌ها تخم فساد را می‌کارد و دشمنی‌ها را میان امت اسلام برمی‌انگیزد و جماعت اسلام را تبدیل به تفرقه می‌نماید و جمع امت را متشتت می‌سازد و با مصالح عامه مسلمین تضاد دارد». نیز در جلد سوم، صفحه 268، تهمت سید رشید رضا را به شیعه، مبنی بر اینکه «شیعه از هر شکستی که نصیب مسلمین شود خوشحال می‌شود تا آنجا که پیروزی روس را بر مسلمین در ایران جشن گرفتند» نقل می‌کنند و می‌گویند:

«این دروغ‌ها ساخته و پرداخته امثال سید محمد رشید رضاست. شیعیان ایران و عراق که قاعدتاً مورد این تهمت هستند و همچنین مستشرقان و سیّاحان و نمایندگان ممالک اسلامی و غیرهم که در ایران و عراق رفت و آمد داشته و دارند خبری از این جریان ندارند. شیعه بلااستثناء، برای نفوس و خون و حیثیت و مال عموم مسلمین اعمّ از شیعه و سنی احترام قائل است. هر وقت مصیبتی برای عالم اسلام در هر کجا و هر منطقه و برای هر فرقه پیش آمده است، در غم آنها شریک بوده است. شیعه هرگز اخوت اسلامی را که در قرآن و سنت بدان تصریح شده محدود به جهان تشیع نکرده است و در این جهت فرقی میان شیعه و سنی قائل نشده است. نیز در پایان جلد سوم، پس از انتقاد از چند کتاب از کتب قدما از قبیل عقداالفرید ابن عبد ربّه، الانتصار ابوالحسین خیاط معتزلی، الفرق بین الفرق ابومنصور بغدادی، الفصل ابن حزم اندلسی، الملل و النحل محمد بن عبدالکریم شهرستانی، منهاج السنه ابن تیمیّه و البدایه و النهایه ابن کثیر و چند کتاب از کتب متأخرین از قبیل تاریخ الامم الاسلامیه شیخ محمد خضری، فجر الاسلام احمد امین، الجوله فی ربوع الشرق الادنی محمد ثابت مصری، الصراع بین الاسلام و الوثنیه قسیمی و الوشیعهی موسی جارا... می‌گویند: هدف ما از نقل و انتقاد این کتب این است که به امت اسلام اعلام خطر کنیم و آنان را بیدار نماییم که این کتاب‌ها بزرگ‌ترین خطر را برای جامعه اسلامی به وجود می‌آورد، زیرا وحدت اسلامی را متزلزل می‌کند، صفوف مسلمین را می‌پراکند، هیچ عاملی بیش از این کتب صفوف مسلمین را از هم نمی‌پاشد و وحدتشان را از بین نمی‌برد و رشته اخوت اسلامی را پاره نمی‌کند. علامه امینی در مقدمه جلد پنجم تحت عنوان «نظریه کریمه» به مناسبت یکی از تقدیرنامه‌هایی که از مصر درباره الغدیر رسیده است، نظر خود را در این موضوع کاملاً روشن می‌کنند و جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارند، می‌گویند: عقاید و آراء درباره مذاهب آزاد است و هرگز رشته اخوت اسلامی را که قرآن کریم با جمله انّما المؤمنون اخوة بدان تصریح کرده پاره نمی‌کند، هرچند کار مباحثه علمی و مجادله کلامی و مذهبی به اوج خود برسد.

سیره سلف و در رأس آنها صحابه و تابعین همین بوده است. ما مؤلفان و نویسندگان در اقطار و اکناف جهان اسلام، با همه اختلافی که در اصول و فروع با یکدیگر داریم، یک جامع مشترک داریم و آن ایمان به خدا و پیامبر خداست. در کالبد همه ما یک روح و یک عاطفه حکم‌فرماست و آن روح اسلام و کلمه اخلاص است. ما مؤلفان اسلامی همه در زیر پرچم حق زندگی می‌کنیم و تحت قیادت قرآن و رسالت نبی اکرم انجام وظیفه می‌نماییم. پیام همه ما این است که: انّ الدین عندنا... الاسلام و شعار همه ما لا اله الا... و محمد رسول... است. آری ما حزب خدا و حامیان دین او هستیم. علامه امینی در مقدمه جلد هشتم تحت عنوان «الغدیر یوحّد الصفوف فی الملاً الاسلامی» مستقیماً وارد بحث نقش الغدیر در وحدت

اسلامی می‌شوند. معظم له در این بحث، اتهامات کسانی را که می‌گویند الغدیر موجب تفرقه بیشتر مسلمین می‌شود، سخت رد می‌کنند، و ثابت می‌کنند که برعکس، الغدیر بسیاری از سوء تفاهمات را از بین می‌برد و موجب نزدیکتر شدن مسلمین به یکدیگر می‌گردد. آنگاه اعترافات دانشمندان اسلامی غیرشیعه را در این باره شاهد می‌آورند و در پایان، نامه شیخ محمد سعید دحدوح را به همین مناسبت نقل می‌کنند. ما برای پرهیز از اطاله بیشتر، از نقل و ترجمه تمام گفتار علامه امینی تحت عنوان بالا که همه در توضیح نقش مثبت الغدیر در وحدت اسلامی است صرف نظر می‌کنیم، زیرا آنچه نقل کردیم برای اثبات مقصود کافی است.

نقش مثبت الغدیر در وحدت اسلامی از این نظر است که اولاً منطق مستدل شیعه را روشن می‌کند، و ثابت می‌کند که گرایش در حدود صد میلیون مسلمان به تشیع - برخلاف تبلیغات زهرآگین عده‌ای - مولود جریان‌های سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است، بلکه یک منطق قوی متکی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده است. ثانیاً ثابت می‌کند که پاره‌ای اتهامات به شیعه - که سبب فاصله گرفتن مسلمانان دیگر از شیعه شده است - از قبیل اینکه شیعه غیرمسلمان را بر مسلمان غیرشیعه ترجیح می‌دهد و از شکست مسلمانان غیرشیعه از غیرمسلمان شادمان می‌گردد، و از قبیل اینکه شیعه به جای حج به زیارت ائمه می‌رود، یا در نماز چنین می‌کند و در ازدواج موقت چنان، بکلی بی‌اساس و دروغ است. ثالثاً شخص شخیص امیرالمؤمنین علی علیه السلام را که مظلومترین و مجهول‌القدرترین شخصیت بزرگ اسلامی است و می‌تواند مقتدای عموم مسلمین واقع شود، و همچنین ذریه اطهارش را به جهان اسلام معرفی می‌کند.

برداشت دیگران از «الغدیر»

برداشت بسیاری از دانشمندان بی‌غرض مسلمان غیرشیعه از الغدیر همین است که ما گفتیم. محمد عبدالغنی حسن مصری در تقریظ خود بر الغدیر که در مقدمه جلد اول، چاپ دوم، چاپ شده است می‌گوید: از خداوند مسئلت می‌کنم که برکه آب زلال شما را (غدیر در عربی به معنای گودال آب است) سبب صلح و صفا میان دو برادر شیعه و سنی قرار دهد که دست به دست هم داده، بنای امت اسلامی را بسازند.

عادل غضبان، مدیر مجله مصری «الکتاب» - در مقدمه جلد سوم - می‌گوید: این کتاب، منطق شیعه را روشن می‌کند و اهل سنت می‌توانند به وسیله این کتاب، شیعه را به‌طور صحیح بشناسند. شناسایی صحیح شیعه سبب می‌شود که آراء شیعه و سنی به یکدیگر نزدیک شود و مجموعاً صف واحدی تشکیل دهند. دکتر محمد غلاب، استاد فلسفه در دانشکده «اصول دین» جامع ازهر، در تقریظی که بر الغدیر نوشته و در مقدمه جلد چهارم چاپ شده می‌گوید: کتاب شما در وقت بسیار مناسبی به دستم رسید، زیرا اکنون مشغول جمع‌آوری و تألیف کتابی درباره زندگی مسلمین از جوانب مختلف هستم، لهذا خیلی مایلیم که اطلاعات صحیحی درباره شیعه امامیه داشته باشیم. کتاب شما به من کمک خواهد کرد و من دیگر مانند دیگران درباره شیعه اشتباه نخواهم کرد.

دکتر عبدالرحمن کیالی حلبی در تقریظ خود که در مقدمه جلد چهارم الغدیر چاپ شده، پس از اشاره به انحطاط مسلمین در عصر حاضر، و اینکه چه عواملی می‌تواند مسلمین را نجات دهد، و پس از اشاره به اینکه شناخت صحیح وصی پیغمبر اکرم یکی از آن عوامل است، می‌گوید: کتاب الغدیر و محتویات غنی آن، چیزی است که سزاوار است هر مسلمانی از آن آگاهی یابد، تا دانسته شود چگونه مورخان کوتاهی کرده‌اند و حقیقت کجاست. ما به این وسیله باید گذشته را جبران کنیم و با کوشش در راه اتحاد مسلمین به اجر و ثواب نایل گردیم.

ه) الغدير در نگاه سایر اندیشمندان اسلامی

1- شیخ محمدسعید دحدوح

من اکنون خود را در برابر دریای بی‌پایانی می‌بینم که در آن، انواع گوهرهای نفیس و خیره‌کننده و بی‌نظیر وجود دارد. دلایل کافی و رسا، برهان صریح، علم زیاد و مزایای بی‌شمار دیگر آن قدر در این مجموعه گرانبها هست که قادر بر شمارش آن نیستیم. این مزایا گویای این حقیقت اند که: اگر بخواهند نورانیت ماه چهارده را با ابرهای تیره (اشتباه کاری و دشمنی) و عوامل فریبنده از دیدگاه بیوشانند، نمی‌توانند.

2- علاءالدین خروفه

من گمان نمی‌کردم در این عصر که مادیات بر آن غلبه کرده است و به شتاب زدگی در تألیف و سطحی بودن بحث و تحقیق معروف است، مردی که گویا به تنهایی امتی است، به پا خیزد و این کتاب جلیل را - که مانند آن را گروهی هماهنگ از دانشمندان علمی نتوانند به دست داد - پدید آورد.

3- مرحوم آیت ... العظمی فاضل لنکرانی

کتاب الغدير، مخصوصاً با قلم رسا و مطابق روزش، توانسته جمیع شبهات را در رابطه با مسأله امامت و وصایت بلافصل امیرالمؤمنین (ع)، پاسخی متناسب که مقبول عقل سلیم و منطقی خالی از تعصب است، بدهد. خاصه که از کتب خود آنها که در زوایای کتابخانه‌های متعدد مخفی بود یا مخفی نگاه داشته شده بود، استفاده نموده و با استعانت مداوم، از صاحب اصل مقام ولایت و امامت، چنین موفقیتی را به دست آورد که مرور زمان، نه تنها آن را کهنه نمی‌کند، بلکه بر عظمت آن می‌افزاید.

4- آیت ... حسن زاده آملی

خداوند درجات علامه امینی - صاحب الغدير - را متعالی بفرماید؛ کاری که ایشان کرده است ممدوح، پسندیده و قابل تحسین است و در آن، جای اعتراض برای کسی نیست. ایشان کتابی درباره غدیر و روایات آن نوشت که از آثار باقیه است.

5- مرحوم آیت ... العظمی سید محسن حکیم

از جمله شخصیت‌های زبده و برجسته از گروه مجاهدین در راه حق، مؤلف کتاب الغدير است؛ همان محقق یگانه و دانشمند بی‌بدیل. من اجزای این کتاب را مطالعه کردم و آن را همان طور یافتم که از مؤلف بزرگوارش سزاوار بود. این کتاب را چنان آراسته و منزه یافتم که به توفیق خداوند، آغاز تا انجام آن از هرگونه باطل و ناروا مصون [بود] و معظم له در برهان و معارضه سخت و استوارش (با خصم) و شادابی سخنان و زیبایی محاوراتش، تمام موفقیت را به دست آورده [است]. متانت رأی و نظر را با شیوایی ترکیب، [کرده و] کلام و معانی بدیع و بی‌مانند را با بنیان نیرومند سخن، پیوند داده [است]. در موضوع‌های گوناگون با تفنن سخن گفته و با استقامت کافی در هر موضوع، وارد و با پایداری بیرون شده [است].

6- علامه محمدتقی جعفری تبریزی

کتاب الغدير از آن آثار ارزنده‌ای است که مورد قضاوت‌ها و اظهارنظرهای مختلف قرار می‌گیرد. با نظر به موضوعات و محتوای این کتاب و آرای صاحب نظران آگاه، دو موضوع در این اثر، روشن است: یکی، عظمت کوششی است که در الغدير صورت گرفته است به طوری که می‌توان گفت مراجعه به آن همه مدارک و تنظیم آنها برای تهیه چنین اثری کار فوق

العاده ای و در عالم تحقیق و تتبع کم نظیر است. دوّم، ایمان و خلوص نیت مرحوم علامه امینی است درباره روشن شدن یکی از ارکان اساسی ایدئولوژی اسلامی - که برای هر مطالعه کننده هشیار پدیدار است. این دو موضوع قابل تردید نیست.